آزادی ۳ سرباز ربوده شده در پاکستان

فرمانده مرزبانی کشور سلامت سه سرباز ربوده شده ایرانی در خاك پاکستان را تایید و اعلام کرد آنها به‌زودی آزاد خواهند شد.

سردار قاسم رضایی به تسنیم گفت: رایزنی و مذاکرات متعددی با مسؤولان کشور پاکستان انجام داده‌ایم تا سه سرباز ربوده شده ایرانی را به کشورمان بازگردانیم، مذاکرات و رایزنی‌های انجام‌شده رضایت‌بخش بوده است. این سه سرباز ربوده شده در سلامت کامل به‌سر می‌برند و آخرین خبرها حاکی است آنها به‌زودی با همکاری کشور پاکستان آزاد خواهند شد و به جمع خانواده‌هایشان و کشورمان بازمی‌گردند.

این گزارش حاکی است؛ این سربازها همراه تعداد دیگری ربوده شده و به پاکستان منتقل شده بودندکه چند نفرشان مدتی پیش از اسارتگاه آدم‌رباها نجات یافته بودند و فقط این سه نفر هنوز در اسارتگاه اشرار در پاکستان به سر می‌بردند.

جزئیات سقوط هواپیمای جنگنده میگ ۲۹ در ارتفاعات سبلان

سقوط در قله

گروه حوادث

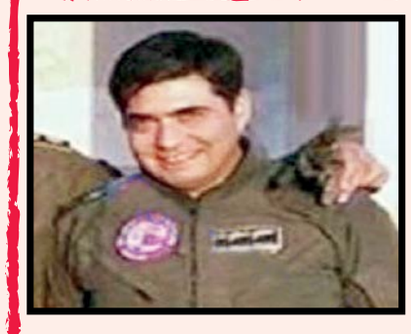

یک فروند جنگنده میگ ۲۹ نیروی هوایی ارتش دیروز از پایگاه شهید فکوری تبریز برای ماموریت به پرواز درآمد که در ارتفاعات سبلان استان اردبیل سقوط کرد. تلاش‌های گروه‌های امدادی حاضر در محل برای یافتن ردی از خلبان ادامه دارد.

به گزارش خبرنگارجام جم، ساعت ۱۲ ظهر چهارشنبه چهارم دی امسال، صدای مهیبی از اطراف کوه سبلان توسط اهالی شنیده شد و با تماس آنها با اورژانس و هلال احمر نیروهای امدادی در آنجا حاضر شدند. آنها در قالب چند گروه عملیاتی برای امدادرسانی در محل حاضر شده که معلوم شد یک فروند جنگنده میگ ۲۹ نیروی هوایی ارتش سقوط کرده است. گروه‌های امداد و نجات در جریان این عملیات متوجه شدند، محلی که این هواپیما سقوط کرده منطقه‌ای برفگیر و صعب‌العبور است. بنابراین تلاش‌های خود را برای یافتن خلبان و اطلاع از سرنوشت او از راه‌های زمینی و هوایی آغاز کردند. این در حالی بود که بعد از وقوع این حادثه روابط عمومی ارتش در بیانیه‌ای سقوط این هواپیمای نظامی را تائید و اعلام کرد خلبان هواپیما هنگام ماموریت در ارتفاعات سبلان بوده که دچار سانحه شده است. تلاش برای مشخص شدن وضعیت خلبان جنگنده توسط تیم‌های جست‌وجو و نجات هوایی و زمینی ادامه دارد. در ادامه معلوم شد که سرهنگ محمدرضا رحمانی از خلبانان مجرب نیروی هوایی ارتش سوار بر یک فروند جنگنده میگ ۲۹ نیروی هوایی ارتش در حال پرواز در ارتفاعات سبلان استان اردبیل بود که این جنگنده از رادار خارج شد و سقوط کرد. تلاش برای مشخص شدن وضعیت خلبان جنگنده توسط تیم‌های جست‌وجو و نجات هوایی و زمینی ادامه دارد. تا لحظه چاپ این خبر هنوز لاشه میگ ۲۹ از سوی امدادگران هلال احمر کشف نشده و تلاش ها همچنان برای یافتن خلبان پرواز ادامه دارد و هنوز فوت او تایید نشده است.

محل سقوط میگ ۲۹ در کوه‌های سبلان

مشخصات هواپیما

هواپیمایی که دیروز چهارشنبه در دامنه ارتفاعات سبلان در استان اردبیل سقوط کرد، از نوع میگ ۲۹ تک‌کابین آموزشی بود و این هواپیما به‌تازگی تعمیر (اورهال) شده بود. این هواپیما صبح چهارشنبه از پایگاه شهید فکوری تبریز برخاست و ساعت ۹ صبح در اردبیل سقوط کرد. این درحالی است که برخی معتقدند خلبان ممکن است در این حادثه جان سالم به‌در برده باشد، اما تلاش هنوز برای یافتن وی ادامه دارد.

جست‌وجوی زمینی و هوایی در منطقه

عبدالعلی‌پور، مدیرکل مدیریت بحران استان اردبیل دیروز در تشریح این سانحه به جام جم گفت: پس از دریافت گزارش‌های مردمی مبنی بر شنیده شدن صدای مهیب در اطراف کوه سبلان، بلافاصله گروه‌های واکنش سریع هلال احمر و اورژانس برای بررسی موضوع به محل حادثه اعزام شده و در سه نقطه مختلف کوه سبلان حضور یافتند و عملیات جست و جو را آغاز کردند. دیگر گروه‌های امدادی نیز در محل حاضر شده اندو در حال تلاش برای یافتن ردی از خلبان و کشف لاشه هواپیمای جنگی هستند.

وی افزود: با هماهنگی‌های انجام شده، بالگردهایی نیز از استان آذربایجان شرقی به محل اعزام خواهند شد تا روند جست و جو سرعت بگیرد.

همچنین برخی شنیده‌های غیررسمی نیز حکایت از این داشته که لاشه هواپیما توسط سرنشینان بالگرد ارتش در منطقه دامنه قله «بابا مقصود» از قله‌های کوه سبلان مشاهده شده و بالگرد هلال احمر و سایر نیروهای امدادی در حال اعزام به منطقه فوق هستند.

روایت شاهدان ماجرا

فکر کردم زلزله آمده

بهروز یکی از شاهدان محلی درباره این سانحه به جام جم گفت: خانه‌مان در نزدیکی ارتفاعات سبلان است. همزمان با شنیدن صدای مهیبی پنجره‌های خانه‌مان شروع به لرزیدن کرد. ابتدا گمان کردم که زلزله آمده و همراه خانواده‌ام سراسیمه از خانه روستایی‌مان بیرون آمدیم. دیدم که دیگر همسایه‌ها نیز از خانه‌هایشان بیرون زده‌اند. دود غلیظی را در آسمان دیدم و زمانی که رد دود را گرفتیم، متوجه شدیم که دود از اطراف کوه سبلان است. یکی از همسایه‌ها در یک لحظه شیئی را دیده بود که به زمین افتاد که خیلی شبیه هواپیمای نظامی بود. وی افزود: اطراف را جست‌وجو کردیم تا شاید خلبان این هواپیمای سقوط کرده را پیدا کنیم که به خاطر برف‌گیر و صعب‌العبور بودن آنجا ردی از او پیدا نکردیم. معلوم نبود که هواپیما در کدام قسمت ارتفاعات کوهستانی سبلان افتاده است. موضوع حادثه را به اورژانس و گروه‌های امدادی اطلاع دادیم که آنها به محل آمدند و اهالی را دور کردند و عملیات نجات را به طور تخصصی ادامه دادند. امیدواریم که خلبان زنده مانده باشد. یکی دیگر اهالی هم به خبرنگار ما گفت: هواپیما با ارتفاع پایین پرواز می‌کرد و منطقه ای که سقوط کرده، صعب‌العبور و برف‌گیر است. امروز باد شدیدی هم در منطقه شروع به وزیدن کرده است. مرد میانسالی که اهل روستای شیشه‌گران بود نیز گفت: من و خانواده ام در خانه روستایی‌مان بودیم که یکدفعه شیشه‌های پنجره‌های خانه شروع به لرزیدن کرد و به گمان این که زلزله آمده سراسیمه از خانه بیرون زدیم تا جانمان را نجات دهیم. اما وقتی بیرون آمدیم از زلزله خبری نبود و دود غلیظی را از پشت قله کوه سبلان دیدیم. هواپیما که انگار نظامی بود آتش گرفته و به داخل محوطه ارتفاعات افتاد.

مهلت یك ماهه برای مرد اعدامی

عامل جنایت جنجالی شهرك محلاتی تهران که مرد نظامی را کشته بود، برای دومین بار در زندان رجایی‌شهر کرج پای چوبه دار رفت. فرزندان مقتول این بار هم مهلت یك ماهه برای جلب رضایت به این اعدامی دادند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، بامداد ۲۳ تیر ۸۴ مردی ۴۲ ساله که نظامی بود، بر اثر ضربه‌های چاقو در خانه‌اش در محله شهرك محلاتی به قتل رسید و عامل این جنایت که مردی به نام جعفر بود آنجا را بعد از جنایت به آتش کشید. او اعتراف کرد که دوستش زهیر در این ماجرا همراهی‌اش کرده است و همچنین دو زن که او را برای این جنایت اجیر کرده بودند نیز بازداشت شدند. آنها که به خانه مقتول رفت‌وآمد داشتند و از آشنایان زن مقتول بودند، مدعی شدند که مقتول آنها را مورد آزار و اذیت قرار داده است. یکی از آنها که معلم بود گفت که عامل جنایت برادر یکی از شاگردانش بوده و به او دو میلیون تومان داده تا این جنایت را رقم بزند. اما در تحقیقات بعدی که مشخص شد مقتول آنها را مورد آزار و اذیت نداده و دروغ گفته‌اند اعتراف کردند که زن مقتول آنها را برای اجرای نقشه قتل اجیر کرده که به این ترتیب زن مقتول بازداشت و گفته‌های او را انکار کرد و گفت که در ماجرای قتل شوهرش بیگناه است.

پرونده آنها با صدور کیفرخواست به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و متهمان محاکمه شدند. فرزندان مقتول مادرشان را بخشیدند اما خواستار مجازات دیگر متهمان شدند. جعفر در دفاع از خود گفت: چند روز قبل از حادثه معلم خواهرم با من تماس گرفت و مدعی شد که مرد نظامی آرامش را از خانواده خودش گرفته و آنها را به عناوین مختلف اذیت می‌کند و خواست که او را با دستور زنش تنبیه کنیم. موضوع را به مردی که دوستم بود، گفتم و با هم در نبود خانواده مقتول به خانه‌اش رفتیم که من چند ضربه چاقو به وی زدم، اما هنوز بود و فرار کردیم. نمی‌خواستم بمیرد و فقط خواستم تنبیه‌اش کنم.

ضربات چاقو را من به آن مرد زدم، اما زمانی که آنجا را ترك کردم زنده بود، روز بعد خانم معلم خواست که به آن خانه بروم که آنجا رفتم و با پاشیدن بنزین آنجا را به آتش کشیدم.

در ادامه زهیر نیز گفته‌های او را تایید کرد و خانم معلم در جایگاه قرار گرفت و گفت: فریب همسر مقتول را خوردم. او درباره شوهرش مدام بدگویی می‌کرد و حرف‌های نامناسب می‌زد که جعفر را برای قتل اجیر کردیم. همچنین زن همدست او نیز گفته‌های مشابهی را مطرح کرد، اما زمانی که همسر مقتول به دفاع از خود پرداخت گفت: گفته‌های متهمان فوق را قبول ندارم و من آنها را اجیر نکردم که شوهرم را به قتل برسانند.

قضات دادگاه وارد شور شدند و جعفر، عامل اصلی این جنایت را به قصاص و دوسال حبس، زهیر را به ۱۸ ماه حبس، دو زن همدست آنها را به ۱۸ ماه زندان و دو سال حبس تعلیقی و زن مقتول را به ۱۵ سال حبس محکوم کردند که این احکام از سوی قضات دیوان‌عالی کشور تایید و به اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد و شمارش معکوس برای اجرای حکم مرگ جعفر به شماره افتاد. خانواده جعفر تلاش کردند تا بتوانند از خانواده مقتول رضایت بگیرند، اما فرزندان مقتول حاضر به دادن رضایت به وی نشدند. با گذشت ۱۳ سال از این جنایت، جعفر برای نخستین بار در زندان رجایی‌شهر کرج به پای چوبه دار رفت.

با تلاش هیات صلح و سازش دادسرای جنایی تهران فرزندان مقتول به قتل پدرشان در پای چوبه دار که چند ثانیه تا مرگ فاصله داشت، یك ماه مهلت دادند تا او بتواند رضایت آنها را جلب کند. بنابراین حکم قصاص او متوقف شد و او به زندان بازگشت، اما در مدت زمان تعیین شده نتوانست رضایت اولیای دم را جلب کند و دوباره نام او در فهرست افراد اعدامی در زندان قرار گرفت تا این که مرد اعدامی درحالی وارد چهاردهمین سالی شده بود که زیر تیغ قرار داشت و برای دومین بار به پای چوبه دار رفت که این بار هم با توجه به تلاش واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران مرد اعدامی که ابراز ندامت در این چهارده سال را با خودش همراه داشت، توانست از فرزندان مقتول این بار هم یك ماه مهلت برای جلب رضایت از آنها بگیرد. مرد اعدامی این بار هم فرصت برای زندگی یافت و به زندان بازگشت. اگر در مهلت قانونی او بتواند رضایت فرزندان مقتول را جلب کند، از مجازات قصاص نجات می‌یابد در غیر این صورت دوباره پای چوبه دار خواهد رفت.

جزئیات حمله به شرور معروف پایتخت

پلیس در جست‌وجوی شش مرد قمه به دست

پلیس در جست‌وجوی شش مرد جوان است که در جریان حمله خیابانی در تهران یك شرور سابقه‌دار و دوست او را زخمی کرده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه دوشنبه دوم دی امسال، یکی از شرورهای معروف تهران به نام هانی کرد همراه یکی از دوستانش سوار خودروی پژو ۲۰۶ سفیدی بود که مقابل یك آبمیوه‌فروشی در منطقه شاپور در جنوب تهران توقف کردند. دقایقی نگذشته بود که شش مرد جوان که سوار دو دستگاه موتورسیکلت بودند به سمت وی و دوستش حمله کردند و با ضربه‌های چاقو و قمه زخمی‌شان کردند. با گزارش وقوع این درگیری خیابانی به پلیس و اورژانس، امدادگران اورژانس و ماموران انتظامی کلانتری ابوسعید برای بررسی موضوع در آنجا حاضر شدند. این دو مرد زخمی بعد از اقدامات اولیه درمانی از سوی امدادگران اورژانس به بیمارستان سینای تهران منتقل شدند. ماموران به تحقیقات محلی دست زدند تا عاملان این درگیری که متواری بودند را شناسایی و دستگیر کنند. این در حالی بود که دوربین‌های مداربسته محل حادثه صحنه درگیری خونین را ثبت کرده بودند. در تحقیقات بعدی پلیسی معلوم شد که فرد شرور که زخمی شده، همراه دوستش شامگاه یکشنبه اول دی امسال، در یك جشن تولد حضور داشته که در این مهمانی شبانه با چند نفر دیگر درگیری لفظی پیدا می‌کنند و برای این‌که مراسم تولد به‌هم نخورد یك قرار درگیری در منطقه ابوسعید با هم می‌گذارند.

در ادامه معلوم شد که یك شبانه‌روز بعد از ماجرای آن تولد در شامگاه دوشنبه این فرد برای درگیری در محل قرار حضور پیدا می‌کند، اما طرف دیگر دعوا به محل نمی‌آید. در ادامه آنها برای خوردن آبمیوه به سمت مغازه آبمیوه‌فروشی می‌روند که در آن موقع شش جوان موتورسوار که او را تعقیب کرده بودند به سمت وی و مردی که همراهش بوده حمله کرده و هردویشان را در حالی که چاقو و قمه داشتند، زخمی می‌کنند.

سرهنگ چنگیز ایدون، رئیس کلانتری ۱۱۲ ابوسعید در این باره گفت: وضعیت دو مرد زخمی رضایت‌بخش است. با سرنخ‌هایی که پلیس از مهاجمان فراری به دست آورده در تلاش برای دستگیری آنهاست.

تلنگر

پدر سنگدل پسرش را شکنجه می‌داد

پدرسنگدل که پسر ۱۲ ساله‌اش را با دست و پای بسته در صندوق عقب خودرو محبوس کرده و شکنجه می‌داد، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ماموران انتظامی هنگام گشتزنی در محدوده اتوبان آزادگان به یك دستگاه خودروی زانتیا که در حاشیه محل فوق متوقف شده بود، مشکوك شده و پس از هماهنگی با مرکز پیام و بررسی خودرو یك عدد چاقو و پنجه بوکس کشف کردند. ماموران که به او مشکوك شده بودند، به تحقیقات از وی ادامه دادند، در حالی که یکی از ماموران هنگام بازرسی از صندوق عقب خودروی این مرد با صحنه عجیبی روبه‌رو شد. آنجا پسر ۱۲ ساله‌ای را دیدند که دهان، دست‌ها و پاهایش با چسب پهن بسته شده بود و حال خوشی نداشت. ماموران او را از صندوق عقب خودرو بیرون آوردند و دهان و دست‌ها و پاهایش را باز کردند.

سرهنگ دلاور القاصی‌مهر، فرمانده یگان امداد فاتب در این باره گفت: پدر سنگدل بازداشت شد. ماموران به تحقیق از پسر نوجوان پرداختند که معلوم شد پدرش به علت مشکلات خانوادگی و نداشتن حالت عادی قصد آزار و اذیت او را در حالی داشته که پیش از این نیز چند بار دیگر اقدام به شکنجه دادن و آزار و اذیت او کرده بود. تحقیقات از پدر این نوجوان به اتهام کودك‌آزاری و شکنجه‌دادن فرزندش در پلیس آگاهی ادامه دارد و این نوجوان تحویل خانواده‌اش داده شد.

محاکمه استاد دانشگاه به اتهام گروگانگیری

مهندس معمار بعد از ورشکستگی، نقشه گروگانگیری دوستش را با انگیزه اخاذی کشید. متهم روز گذشته در دادگاه کیفری یك استان تهران محاکمه شد و به اتهام خود اعتراف کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به پرونده گروگانگیری طراح دکوراسیون داخلی به نام سیامك در سولقان از ۱۵ آذر سال قبل با شکایت خانواده او در دستور کار ماموران پلیس قرار گرفت.

همسر سیامك به ماموران گفت: از دو روز قبل سیامك ناپدید شد و ساعاتی بعد تماس افرادی ناشناس که تقاضای دریافت ۵۰۰ میلیون تومان در ازای آزادی سیامك داشتند، آغاز شد.

خانواده سیامك با همکاری کارآگاهان پلیس، دو روز بعد از ربوده شدن او آدم‌ربایان را سر قرار کشاندند و طی عملیات تعقیب و گریز اقدام به دستگیری آنها کردند. این در حالی بود که دو نفر از آدم‌ربایان به دام ماموران افتادند و نفر سوم به نام رامین از مهلکه فرار کرد. دو هفته بعد از دستگیری دو متهم پرونده، رامین در یك سرقت مسلحانه تحت تعقیب ماموران قرار گرفت و به ضرب گلوله پلیس از پای درآمد.

دو متهم دیگر به اتهام خود اقرار کردند. رسیدگی به پرونده روز گذشته با حضور شاکی و متهمان در شعبه هشتم دادگاه کیفری یك استان تهران به ریاست قاضی رحمانی انجام شد.

در ابتدای جلسه رسیدگی، شاکی در توضیح نحوه آدم‌ربایی گفت: «طراح دکوراسیون داخلی هستم و برای انجام پروژه‌ای به یك ویلا در سولقان رفته بودم. زمانی که داشتم از آن ویلا خارج می‌شدم ناگهان برق قطع شد و دو نفر ناشناس به من حمله کردند و دست و پایم را بستند و من را در صندوق عقب ماشینم انداختند. دو روز در صندوق ماشین بودم و وضع خیلی بدی داشتم تا این‌که فهمیدم دوست صمیمی من به نام مجید در این ماجرا دست داشته است. او فوق‌لیسانس مهندسی معماری و استاد دانشگاه است. به خاطر احترامی که برای خانواده مجید قائل هستم از او گذشت می‌کنم اما از متهم دیگر پرونده شکایت دارم.»

سپس مجید در جایگاه دفاع قرار گرفت و گفت: «اتهامم را قبول دارم. مدتی قبل فردی از من کلاهبرداری کرد و یکی از دوستانم به نام رامین به من گفت حاضر است کلاهبردار را بربایند و طلب من را وصول کند. اما شرط گذاشت که قبل از آن باید یکی دیگر از دوستان پولدارم را به او معرفی کنم تا او را هم بربایند و سهم اخاذی از او را به عنوان حق‌الزحمه کاری که برای من می‌کند، بردارد. من هم در تنگنا بودم و قبول کرده و سیامك را به او معرفی کردم.» در ادامه متهم ردیف دوم اتهام خود را انکار کرد و گفت: «من از رامین طلب داشتم و قرار بود او به جای طلب من از یك مهندس ضایعات بگیرد و به من بدهد. من مهندس را نمی‌شناختم و آن روز برای گرفتن ضایعات سر قرار رفتم، اما دورتر ایستاده بودم و نفهمیدم رامین کجا رفت.»

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهمان و وکلای آنها برای صدور رای وارد شور شدند.